

تاریخ



هزاوه / مرکزی

هزه ترکمان

عکس‌ها:

امیدرضا بوجاریان



هزاوه همچنان از نام امیر کبیر اعتبار می‌گیرد

خانه پدری

هزاوه. به گونه‌ای که هزاوه به «کان الوزرا» در آن زمان شهرت می‌یابد.

● خودمان خانه پدری امیر را مرمت کردیم

خانه امیر در ابتدای ورودی روستا پس از میدانی که مجسمه امیر در آن نصب شده در کوچه ای سنگلاخی با شیبی تند واقع شده که جوی باریکی از کنارش می‌گذرد. در طول مسیر از اراک تا هزاوه جز تابلویی قبل از آرامستان اراک که روی آن در کنار فلشی به سمت راست «خانه امیر» درج شده، هیچ نشان و آدرسی از زادگاه امیر یافت نمی‌شود. جاده از روستای مرزبجران تادو راهی هزاوه مستقیم است. حتی در کنار تابلو هزاوه هم نامی از امیر و زادگاهش نیست. مسیر به سمت روستا پیچ‌های تند دارد و در دوطرف جاده باغات میوه و تاکستان‌هایی که در سرمای کوهستانی شاخه‌هایشان برهنه و هرس شده‌اند هنوز هم چشم‌نواز است. خانه‌های پلکانی در دامنه کوهستانی پوشیده از برفی سبک زیباتر جلوه می‌کنند. اولین نشانه خانه امیر در میدانی که او راست و محکم بر روی پایه سنگی ایستاده، به چشم می‌خورد و دومین تابلو کنار مدرسه روستا نبش کوچه‌ای خاکی که از آب شدن نم برف روز قبل گلی و یخ زده شده است. شیب سرازیری پوشیده با گل نسبتاً چسبناک تند است و پس از آن سنگفرشی مشبک کنار جوی باریک و عمارت زیبای خانه پدری امیر پدیدار می‌شود که نشان از مرمت به سبک قدیم دارد.

احمد امیری نوه دایی امیر می‌گوید: «۱۵-۱۰ سال قبل از وسط عمارت که قدمتی بیش از دو قرن دارد جوی آب روان بود با احداث جاده جدید روستا به محله پایین راهی باز شد، بخشی از آن خراب و جوی آب به محوطه بیرون از عمارت هدایت شد و باقیمانده همین خانه پدری میرزاتقی خان است که میراث فرهنگی دستی به سر و رویش کشید و ثبت ملی شد و بنا بود که موزه شود. سه سال قبل مراقبت خانه به هیئت امنایی متشکل از ۹ نفر از اهالی و عضو شورا و اداره‌های میراث فرهنگی و ارشاد و جهاد واکذار شد که عملاً همان ۹ عضو با هزینه خودشان اینجارا محافظت می‌کنند».

خانه پدری امیر یکی از جاذبه‌ها و مکان‌های تاریخی روستای هزاوه است. بنایی در دو طبقه با ۶۲۵ مترمربع وسعت و ۸۱۵ مترمربع زیربنا که سال‌ها در آن به روی بازدیدکنندگان بسته مانده بود و به تازگی با اقدام داوطلبانه گروهی شامل اعضای شورای روستا و علاقه‌مندان به امیر، احیا شد و حالا روزهای پنجشنبه و جمعه پذیرای میهمانان و گردشگران است.

● آشپز بودن پدر امیر، درست نیست

آنچه نوه دایی امیر می‌گوید برگرفته از خاطرات و نقل قول‌های پدر، برادران و دایی‌هایش است که از منسوبان مادر امیر بوده‌اند و آن‌ها هم از پدران‌شان شنیده‌اند. او با صراحت می‌گوید: «نقل عامه مبنی بر آشپز بودن پدر امیر، درست نیست. ما نسبت خالوزاده‌ای داریم. پدرم از پدرش «حاج میرزا بیک»، برادر بزرگ مادر امیر، به یاد دارد که از استاد «شاه محمد» به عنوان جزوی از خانواده و تشریفات خاندان قائم مقام یاد می‌شده است. با توجه به عظمت خانه پدری امیر که همین خانه باشد هم آشپز بودن او نمی‌تواند درست باشد. منزل او در ۳۰۰ متری قلعه بزرگ قائم مقام است که الان خراب شده و به شکل باغ باقی مانده. از پدر بزرگم که هم سن و همراه همیشه امیرکبیر بوده، نقل است استاد شاه محمد و میرزا عیسی قائم مقام را دو دوست و خویش دیرین می‌خواند؛ به گونه‌ای که در نامه‌هایشان همواره جویای حال و سلام رسان یکدیگر بوده‌اند. میرزا عیسی و استاد شاه محمد با هم همسال بودند و او بانی و واسطه ازدواج پدر و مادر امیر هم بوده که هردو از خانواده‌های بزرگ و سرشناس هزاوه بوده‌اند. از پدر به یاد دارم همیشه از هزاوه به عنوان یک آبادی بزرگ و تک در کشور یاد می‌کرد که هیچ‌وقت به صورت ارباب رعیتی اداره نمی‌شد. می‌گفت فرهنگ اهل روستا آن‌قدر بالا بود که سال‌های متمادی و در اعصار مختلف فرهیختگانی از هزاوه به وزارت و کیلی مجلس راه یافته‌اند. چهار نفر از خاندان قائم مقام و از جمله امیر که یکی از نوابغ منحصر به فرد همین روستا بود و یازده وزیر از بزرگان سرشناس

تا به حال هر آنچه درباره امیرکبیر ایران خوانده‌ام از نوشته‌ها و مقالات بوده است؛ شنیدن از او از زبان یکی از منسوبانش اولین بار است که برایم ممکن می‌شود. بین منسوبان او که جست‌وجو می‌کنم، یکی از نوادگان دایی امیر را پیدا می‌کنم که سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی ارتش است و عضو هیئت امنای خانه امیرکبیر. سرهنگ «احمد امیری» ۶۵ سال دارد و کوله‌باری از رشادت کادر نیروی هوایی در هشت سال دفاع مقدس در کارنامه‌اش ثبت است. او را که ساکن اراک است، در خانه تاریخی امیر در هزاوه ملاقات می‌کنم؛ در زادگاه امیر.



خانه پدری امیرکبیر به همت اهالی هزاوه مرمت شده است



سرهنگ احمد امیری، نوه دایی امیرکبیر و متولی خانه او در هزاوه است